

## شخصیت شناسی اجتماعی در کنترل رفتارها

رسول سواعدی بور

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان حضرت رسول اکرم(ص) اهواز

نام نویسنده مسئول:

رسول سواعدی بور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

### چکیده

در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت شناخت شخصیت ها در آینده و جوامع و همچنین با توجه به کاربرد شخصیت شناسی در عرصه های مختلف تربیتی مسئله ی شخصیت شناسی از ابعاد مختلف بررسی شده است. شخصیت موضوع میان رشته ای است. بر اساس مطالعات دانشمندان علوم محیطی، شخصیت انسان ها تا حد زیادی متأثر از رفتار فردی و اجتماعی انسان ها و البته در محیط های مختلف و در تناسب با اکوسیستم های طبیعی و اجتماعی است. انسان ها، هر کدام دارای شخصیتی جداگانه برای خود هستند. شخصیت به طور کلی به ویژگی انسان ها اشاره دارد و به آن دسته از جنبه های انسانی و ویژگی مؤثر فردی که عمل و رفتار انسانها برگرفته از آن است. مقاله حاضر با هدف بررسی نقش عوامل مختلف در شکل گیری شخصیت انسان، و تنوع شخصیت ها از دیدگاه شخصیت شناسان پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق منابع اصیل و تفسیری دانشمندان مسلمان به ویژه شیخ سلمان عوده، کتاب های دکتر روپ یونج و... تعیین شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد نخست بنا بر تفسیر های موجود، محیط شامل مجموعه ای از شرایط و موقعیت هایی است و سپس محیط اجتماعی شامل مجموعه ای از شرایط و عوامل اجتماعی پیرامون انسان، که در شکل گیری و تنوع شخصیت انسان موثر است. این تحقیق نشان می دهد که انسان باید در چه جایگاهی از شخصیت قرار گیرد تا با همه ی افراد موجود در اجتماع تعادل خود را در رفتارها و اعمال حفظ کند. در نهایت این تحقیق نشان داد که بر اساس اندیشه های متفکران، نقش محیطی و اجتماعی در شکل گیری شخصیت انسان، نقش ابتدایی است و در شکل گیری شخصیت انسان، عوامل اکتسابی و به ویژه اعمال اختیاری نقش کلیدی و اساسی را داراست.

**واژگان کلیدی:** انسان، شخصیت، تنوع، ویژگی ها، رفتار، اجتماعی.

## مقدمه

دانشمندانی که به زندگی مردم می اندیشند، برای هر کدام از افراد جامعه شخصیتی مختص به آن ها، اطلاق می کنند. این شخصیت اطلاق شده روی فرد با افراد دیگر متفاوت است و برای هر کدام از این افراد سبک خاصی وجود دارد که از این سبک برای تعامل و برقراری ارتباط با دیگران استفاده می کنند.

به طور مثال: یکی سبکی برای خود دارد که می خواهد همیشه از رویارویی با دیگران دور شود تا از انتقادات و مخالفت‌های آنها در امان باشد. یا یکی هم به صورت اغراق آمیز با اشخاص رنجیده همدلی می کند. و یا یکی کارهای ناپسند و نادرست خود را به گردن دیگران می اندازد که شما مسبب این همه نادرستی های من هستید.

در بعضی مواقع از دانش آموزان سبک و تعاملات ناپسندی ظاهر می شود که باعث ایجاد مشکل روحی برای معلم و همکاران می شود و از این تعاملات دانش آموزان شگفت زده می شویم و یا به روشی سلبی و نادرست با آن ها مقابله می کنیم.

اما اگر آشنایی کافی از شخصیت های مختلف و سبک های رفتاری آن ها داشته باشیم، با چنین مشکلاتی مواجه نخواهیم شد و با هریک از دانش آموزان به سبک و روش مختص به او مقابله می کنیم تا بتوانیم رفتار های هر یک از دانش آموزان را کنترل کنیم.

آنچه بنده را به نوشتن و تحقیق کردن در مورد این مطلب سوق داد، این است که در مدارس و اماکن تربیتی مشاهده کردم که بعضی از دانش آموزان نوعی از شخصیت ها دارند که برای معلم و یا مدیر، رنج آور و وقت گیر است. به این نتیجه رسیدم که معلمان باید به شخصیت ها و سبک های مختص به آنها آگاهی کاملی داشته باشند تا بتوانند با تمام شخصیت های دانش آموزان تعامل و ارتباط درستی داشته باشند.

در این بحث طبق تحقیقات و مطالعات انجام شده، سعی کردم چند شخصیت مهم که هم برای معلمان و هم برای سایر افراد عادی جامعه لازم است، درباره ی آن ها توضیحاتی ارائه دهم.

امیدوارم که از آن ها بهره کافی برده شود.

## پیشینه ی پژوهش

پیرامون پیشینه شخصیت شناسی باید گفت که پژوهشگران متعددی بحث کردند و مقالات متفاوتی گردآوری کرده اند و به نتایج متعددی نیز رسیده اند که هر کدام از منابع آن ها به جای خود، می تواند برای خواننده ی آن، مفید و قابل اعتماد برای یادگیری های لازم شخصیت شناسی، باشد.

از جمله افرادی که به تعاریف شخصیت ها و شخصیت شناسی پرداخته بودند: کتاب ماتحت الاقنعه در مورد شناخت شخصیت ها اثر (محمد بن عبدالله الصغیر).

و حتی آیات قرآن نیز در مورد شخصیت ها بیاناتی دارند که می توان از آن ها برای شناخت شخصیت ها استفاده کرد.

## سوال های پژوهش

شناخت شخصیت ها چه تأثیری بر جامعه دارد؟

هر شخصیت چه ویژگی هایی دارد که آن را از سایر شخصیت ها متمایز می کند؟

شخصیت متعادل چه نوع شخصیتی است؟

## روش:

این یک نوع پژوهش علمی است که با فیش گذاری از مقالات در این زمینه انجام شده است.

## متن پژوهش:

اندیشمندان متعددی تلفظ کلمه شخصیت را توضیح داده اند تا این که به ده ها تعریف رسیدند و نزدیک ترین مفهوم که با تمام تعاریف ارائه شده، همخوانی دارد، تعریف مقابل است: شخصیت، به مجموعه ای از خصلت ها و خلق و خوی متنوع در شخص

به طور مداوم گفته می شود که او را از دیگران متمایز می کند و در آن تعامل او با محیط پیرامون اعم از افراد، موقعیت ها، چه در فهم و ادراک و یا استعدادها، ایده ها و برداشت های شخصی منعکس می شود.

بنابراین شخصیت فقط به ظاهر بیرونی فرد، و یا فقط به خصوصیات روانشناختی داخلی یا رفتارها و احساسات محدود نمی شود، بلکه یک سیستم یکپارچه است که بخش های آن با همدیگر ترکیب شده و هر مشکلی که در یک بخش رخ دهد، بر عوامل دیگر این سیستم شخصیتی تاثیر می گذارد.

### مهمترین عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت:

این ها برخی از عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت هستند که لازم است به دلیل نقش آن ها در شناخت فرد، به آن توجه کرد:

وراثت: نقش مهمی در اکتساب ویژگی ها در شکل گیری شخصیت یک فرد دارد. (عجله، خونسردی، کرم و بخشش، غرور، جدیت، شوخ طبعی)

رفتار: مطالعات پزشکی، نشان داده است که مغز دارای مراکز حیاتی بسیاری است و کنترل و مدیریت فعالیت های ذهنی و روانی فرد مانند (تفکر، احساسات، ادراک، رفتار) که تاثیر عمده ای در شکل گیری شخصیت دارد نقش ایفا می کند.

خانواده و روش های تربیت: خانواده در مراحل اولیه زندگی انسان نقش مهمی در رشد روانشناختی کودک دارد، زیرا اولین محیط که پس از تولد، کودک، با آن ارتباط برقرار می کند، همان محیط خانواده است.

رفتارها، مهارت ها و توانایی ها بر رشد روانشناختی کودک تاثیر می گذارد، رفتارهای مثبت یا منفی، و کمی یا کیفی رفتارها در خانواده از جمله عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت کودک است که این رفتارهای خانواده در واقع، خمیر اخلاق کودک در مراحل اولیه او را شکل می دهد.

ثبات خانواده نقش مهمی در این امر دارد. هرچه خانواده از ثبات بالایی برخوردار باشد، به فرد ایمن و اطمینان می بخشد و اعتماد به نفس او را زیاد می کند.

موقعیت فرد در خانواده نیز تاثیر بالایی دارد. (پسر بزرگتر، پسر کوچک خانواده، تنها پسر بین چند خواهر، و...) همچنین سبک تربیت والدین در شکل دهی به شخصیت مؤثر است (آزادی کامل فرزندان، شدت بیش از حد در تمام امور و فعالیت های فرزندان و...).

تاثیر فرهنگی و اجتماعی: مثل (اطلاعات-آداب و رسوم-سنت ها-ارزش ها-اعتقادات)

تاکید بر این است که برنامه های درسی معارف اسلامی حتی اگر افراد بزرگسال باشند نیز ویژگی های افراد را تغییر می دهد و حرکت برخی از آنها را از شدت به نرمی، از عجله به آرامی و خونسردی، از کم عمقی به عمقی و از فردیت به اجتماعی بودن و از ضعف به قدرت، تغییر می دهد. علاوه بر این، معارف اسلامی در تربیت به استعدادهای اصلی افراد و خصوصیات آنها توجه می کند و طبق این استعدادها آنها را تربیت می کند.

علائم خاص و عام وجود دارد که دلایل اختلال در شخصیت را اثبات می کنند.

دلایل عام نشان دهنده وجود مشکل در شخصیت است و دلایل خاص که فرد ممکن است دچار آنها شود نشان دهنده وجود مشکل حاد و یا اضطراب در شخصیت فرد است و می توان گفت که نوعی اختلال ویژه برای شخصیت به وجود آمده است.

### علائم عام (عمومی):

۱-مشکلات مکرر بسیاری در برخورد و درک دیگران وجود دارد.

۲-مشکلات مکرر در کنار آمدن با استرس روانی و ضعف در مواجهه با بحران ها و مشکلات دردناک. (در خانه، مدرسه، محل

کار و...)

۳-نقص برجسته در کنترل خلق و خو و احساسات هم در کمیت و هم در کیفیت (سردی احساسات، سرعت در تحریکات

عاطفی، جهش ناگهانی در خلق و خو ی شخص و...).

۴- اشتباهات قابل توجه و مداوم در راه درک، تفکر، استدلال، استنتاج و تصورات ذهنی نه به دلیل عقب ماندگی ذهنی یا بیماری اضطراب و یا بیماری روانی (مانند اسکیزوفرنی عقلی و...)

۵- نقص برجسته در رفتار و سبک رفتاری فرد، نوع رفتار و کمیت آن بدون تفکر قبلی و برنامه ریزی لازم (اکراه در انجام کاری و...)

۶- استفاده بیش از حد و افراط و سوءاستفاده از ترفندهای روانشناختی در رویارویی با مشکلات. ضرورت ندارد که این علائم همگی در یک فرد وجود داشته باشد. ممکن است در یک فرد فقط یکی از این علائم وجود دارد که از این راه می فهمیم که شخصیتی مختل دارد و می توان او را به مجمع کسانی که اختلال شخصیتی دارند وارد نمود

**علائم خاص (ویژه):**

هر نوع اختلال شخصیت، علائم خاصی دارد که آن را از سایر افراد متمایز می کند.  
مثال:

شخصیت شکاک نسبت به مردم بد ذهن است و اغلب نسبت به دیگران تردید دارد. این نوع شخصیت به همه چیز شک می کند و به اطرافیان اعتماد ندارد و به همین دلیل، همیشه محتاط از ارتباط دیگران با خود است. شخصیت فریبنده، همیشه دو رو است و ریا کاری بر آن غلبه دارد. وجدان ضعیفی نسبت به اطرافیان دارد. شخصیت مجتنب (جدایی طلب) از دیگران همیشه به دور است و از انتقاد آنها به او همیشه گریزان است و از ارتباط برقرار کردن با افراد، ترس دارد.

### شخصیت ایده آل:

شخصیت ایده آل شخصیتی است که باید در چهار چوب ویژگی ها و اصول آن قرار بگیریم. به ندرت یافت می شود، کسانی که بر این شخصیت ایده آل به صورت تام و دقیق به ویژگی های آن عمل کنند. روایت شده از سعید بن مسیب: (هیچ شخص شریفی و یا دانشمندی و شخص فاضل و نیکو کاری نیست که هیچ عیبی نداشته باشد، ولی بعضی از اشخاص به دلیل دانشمند بودنشان و شهرتشان به کارهای نیک، نمی توان عیب های آن ها را به زبان آورد. کسی که فضیلت هایش بیش از نقص هایش باشد، نقص و عیب هایش به واسطه خوبی ها پوشانده می شود و ما نمی توانیم به دانشمندان و افراد مشهور در کار های نیک، عیب جویی کنیم.

معیار ها و ضوابط شخصیت ایده آل:

اعتدال در برآوردن نیاز های جسم و روح: این بدان معناست که فرد عادی کسی است که به نیازهای جسم و روح به طور یکسان پاسخ دهد و ناهنجاری ها و انحرافات می تواند روح را به بهای جسم ارضا کند یا برعکس. که خارج از حالت طبیعی انسان است.

فطرت: به معنای آن است که رفتار و سیرت انسان باید طبق فطرت باشد که خداوند انسان را بر مبنای آن فطرت خدادادی خلق کرده است.

پس رفتار و اعمال انسان هرچه به فطرت نزدیکتر باشد، شخصیت او به سوی ایده آلی نزدیکتر است و هرچه از آن دورتر شود به سوی ناهنجاری یکشانه می شود. (فأقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله).

میان روی: میان روی همان بهترین رفتار و سبک شخصیت است و یک توازی است در انجام رفتارها می باشد که میان افراط و تفریط که هر دو از نظر رفتاری نادرست هستند.

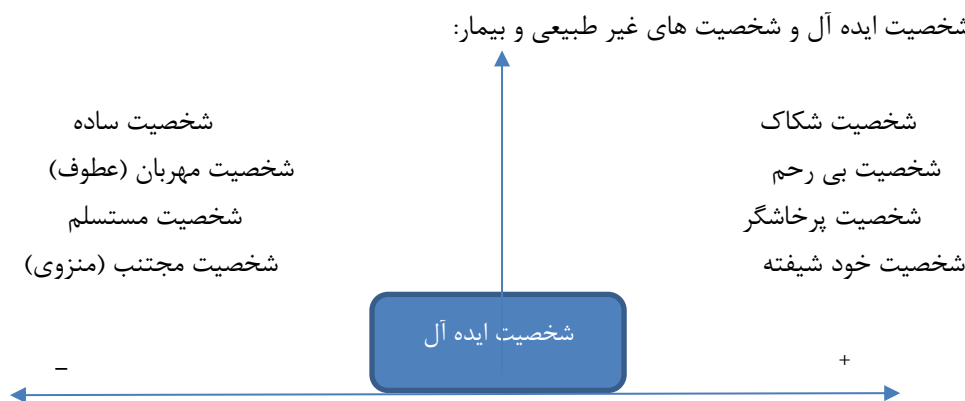
مثال (انفاق رفتاری است میان اسراف و بخل است و تمایل به هر یک از دو طرف نادرست است. (و الذین انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذالک قواما).

اجتماعی بودن: انسان در وسط اجتماع خلق شده است و باید رفتارهای خود را طبق اصول اجتماعی تنظیم کند.

هر فرد باید با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماعی باشد و اگر به فردیت گرایش بیشتری دارد این رفتاری نادرست است.

صداقت و راستگویی: فرد باید با خود و دیگران صادق و ظاهر و باطن یکسانی داشته باشد.

اگر بین باطن و ظاهر انسان اختلافی به وجود می آید، بدانیم که یک رفتار نادرستی به وجود آمده است و در این حالت فرد دچار دوگانگی شخصیتی می شود. (و من الناس من يقول آمنا بالله و بليوم الآخر و ما هم بمؤمنين. يخادعون الله و الذين آمنوا و ما يخدعون الا انفسهم و ما يشعرون. في قلوبهم مرضا فزادهم الله مرضا و لهم عذاب اليم بما كانوا يكذبون.) بهره وری: حرکت انسان به سوی عمل و مسؤولیت پذیری با قدرت و توان کامل است. تقبل مسؤولیت یکی از ارکان مهم شخصیت ایده آل است.



شکل بالا بیان می کند که شخصیت ایده آل معتدل ترین شخصیت است و می توان گفت که این همان شخصیت متوسط است که نباید از مسیر آن منحرف شویم و هر نوع انحراف باعث ایجاد مشکل و اختلال در شخصیت انسان می شود. به طور مثال: اگر انسان شکاک باشد و به تمام روابط دیگران با خود شک میکند، به عنوان سوء ظن به حساب می آید و حتما دارای بیماری و اطمینان کامل داشته باشد نیز نادرست است.

این مثال نشان می دهد که شخصیت ایده آل متوسط تمام شخصیت های مذکور است. آگاهی لازم برای پایداری شخصیت:

اکثر مردم در واقع دارای شخصیت ایده آل هستند اما باید تقویت شوند. (و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها). اختلال شخصیتی افراد از سن ۱۸ سالگی به بالا مشخص می شود و گاهی در بعضی افراد این تشخیص دیرتر صورت می گیرد که حد اکثر آن تا سن ۲۱ سالگی است. برای تشخیص و اثبات اختلال شخصیتی باید دلایل کافی وجود داشته باشد و علائم اختلال، اگر به طور مداوم بعد از سن بلوغ فرد ادامه داشته یعنی فرد مختل است. علائم اختلال شخصیت نباید متعلق به شرایط محیطی خاصی باشد بلکه این علائم باید مربوط به شکل گیری شخصیتی و تکوین روانی فرد باشد.

کلید استفاده از موضوع مقاله:

۱- در میان دوستان و نزدیکان برای هر کدام از آنها شخصیتی مربوط به خود فرد مورد نظر انتخاب کنید و شخصیت آن را با شخصیت های دیگر در موقعیت قیاس قرار دهید. اگر توانستید به مفهوم شخصیت مورد نظرتان برسید یعنی به مفهوم این شخصیت انتخابی نزدیک تر شده اید.

۲- برای پی بردن به مفهوم شخصیت ها ابتدا باید تمام تعریف ها و مثال های مربوط را بخوانید.

۳- قبل از خواندن تعریف شخصیت ابتدا از خود بپرسید که هدف من از خواندن این تعاریف چیست.

#### اهداف:

توان تعامل و ارتباط برقرار کردن مناسب با دیگران.

توان حل مسائل و مشکلات پیش رو، با راه حل های مناسب.

آشنایی با شخصیت ها و تحلیل آن ها.

قرار دادن فرد در موقعیت مناسب، طبق آشنایی ما از شخصیت فرد.

## انواع شخصیت ها:

### ۱- شخصیت شکاک:

افرادی هستند که دارای اختلال شخصیتی می باشند که این اختلال به گونه ای است که بیش از حد نسبت به روابط دیگران باخود شک دارند و همیشه از آن ها ترس به دل دارند. این افراد از همه دوری می جویند که این حالت در درجه های مختلفی قرار دارند. بعضی از آن ها این حالت شدید شکاک بودن را دارند و بعضی هم به صورت ملایم، زیرا در بعضی افراد علائم خفیف و کم، وجود دارد و در بعضی ها علائم شدید و به صورت واضح و ملموس، و می توان گفت که اختلال جدی دارند. چون دارای شک و تردید بیش از حد و افراطی به اطرافیان هستند.

مثال: علی شخصی بود که در سن بلوغ جوانی است و دارای ماشین مدل بالایی بود، همیشه دوست دارد که با دوستانش در رقابت باشد و احساس سروری بر آن ها را دارد و اگر یکی از دوستانش را در یک ماشین بهتر از ماشین خود دید، فکر می کند که این شخص برای سروری و برتری بر او، این ماشین را خریده است.

ویژگی های شخصیت شکاک:

در اغلب اوقات دارای سوء تفاهم نسبت به دوستان و نزدیکان است و به آنچه انجام می دهند شک دارد. این شک و سوء تفاهم بر اساس واقعیت شخص نیست بلکه به دلیل اختلال در شخصیت فرد به وجود می آید. همیشه از مردم محتاط است و فکر می کند که در هر لحظه ای ممکن است به او آسیب برسانند و یا او را اهانت کنند و از آن ها خیانتی رخ دهد. بیش از حد حساس است و اگر به شکل سهوی یا اشتباه خطایی از فرد رخ دهد، با او درگیر می شود.

در قبال کار اشتباه خواه اشتباه بزرگ و خواه اشتباه کوچک و بی ارزش، به سرعت از خود واکنش نشان می دهد و به مشکلات کم ارزش بیش از حد اهمیت می دهد و رفتار ناپسند و نادرست خود را به گردن دیگران می اندازد. همیشه زیاده روی در انتقاد و جدال با اطرافیان سرگرمی اصلی اوست و تصور می کند که همه، دشمن او هستند و باید آن ها را از خود دور راند.

سعی می کند بر دوستان و نزدیکان خود ریاست کند و خود را در مقابل دیگران ثابت کند. و اگر در جمعی باشد، احساس سروری بر آنها دارد. و به رفتار های ناپسند و اشتباهات خود اغرار و اعتراف نمی کند.

همیشه در حال جاسوسی از دیگران و جمع آوری شواهد و دلایل برای مقابله با آن ها در آینده و خواستار اثبات بی ارزشی آن ها است. هر لحظه آماده ی دفاع از خود در مقابل پرسش های دیگران است.

در برخی موارد و مشکلات پیش آمده برای خود، احساسات و شعور خود را کاملاً از دست می دهد و بدون احترام به شخصیت مقابل، برخورد می کند و بر نواقص دیگران متمرکز است تا در فرصت مناسب از آن ها بر علیه افراد استفاده کند.

فرد دارای شخصیت شکاک، بیش از حد غیرتی است و دوستدار جدال و رقابت می باشد و همیشه اطرافیان را مورد تمسخر و اهانت قرار می دهد.

چگونگی برخورد با افراد دارای شخصیت شکاک:

هر وقت با چنین افرادی ارتباط برقرار می کنیم، باید برحذر باشیم، زیرا چنین افرادی هر سخنی که از ما می شنوند، آن را تهدید و انتقاد تلقی می کنند. هر سخنی که در ارتباط با او باشد عمیقاً به آن فکر می کند که مبادا به ضرر او تمام شود و باید با او راست و واضح باشیم تا شک و تردید در او شکل نگیرد. اگر خطایی از ما رخ دهد از او معذرت خواهی کنیم زیرا به سرعت از خود واکنش نشان می دهد و از انتقاد و مجادله کردن با او، به خصوص در جمع، اجتناب پذیریم.

اگر خواستار بحث و گفت و گو با او شدیم، باید دلایلی کافی و قانع کننده داشته باشیم تا بتوانیم به آرامی و بدون تعصبات بی جا طرف مقابل را قانع کنیم و به او اجازه ندهیم که اشتباهات خود را قبول کند و همچنین با او از روش خشم و عنف بحث نکنیم.

عواطف و احساسات او را محترم شماریم و آن ها را خدشه دار نکنیم و اگر سزاوار احترام نبود، او را اهانت و حقارت نکنیم.

اگر به این نتیجه رسیده ایم که سخن گفتن و بحث کردن با او مشکل است از روش مکاتبه و نوشتاری استفاده کنیم.

حوزه های موفقیت شخصیت شکاک:

هر موقعیتی که نیاز به احتیاط، هوشیاری، استحکام و کنترل به خصوص در حوزه ی مدیریت های اداری یا نظامی، به خوبی عمل می کند.

### شخصیت ساده (ساده لوح):

این شخصیت به همه اعتماد دارد بدون اینکه بداند اطرافیان چه نوع شخصیتی دارند.

مثال: محمود برای انجام مراسم حج در مکه بود، و یک کیف پول پر از مدارک و کارت شناسایی و مبلغ پول، در دست داشت و می خواست از یکی از فروشندگان غذا بخرد، بنابراین او کیف خود را جلوی مردم باز کرد و مقداری اسکناس را از آن برداشت سپس آن را روی صندلی قرار داد و به سمت فروشنده رفت. بعد از خرید وقتی که بازگشت کیف خود را پیدا نکرد و از هرکسی که سوال می کرد و داستان را برایش توضیح می داد، از ساده نگری او به این مسئله متعجب می شد.

ویژگی های شخصیت ساده لوح:

اعتماد بیش از حد به اطرافیان بدون شناخت آنها و به همه ی مردم به شکل یکسان نگاه می کند و ممکن است به کسی که لایق اعتماد نیست، بیش از اندازه اعتماد کند که سبب وارد شدن آسیب روانی و احساسی به او از طرف مقابل به دلیل ساده نگری او به این مسائل میشود و از آنچه در اطراف او اتفاق می افتد غافل است، خواه به نفع او و خواه به ضرر و زیان او باشد.

فرد ساده لوح وابستگی افراطی عقلی و رفتاری به دیگران و تبعیت غیر طبیعی از آن ها با اراده ی باطنی و ظاهری خود، می کند و تسامح و مدارای بیش از حد حتی با کسانی که شایسته آن نیستند. به سهولت از عقاید و نظرات دیگران بدون بررسی و تأنی، تحت تأثیر قرار می گیرد حتی اگر عقاید آن ها درست نباشد و بدون تفحص و تحقیق، انتقادات دیگران نسبت به خود را به سرعت می پذیرد و به سرعت به آشکار و اظهار نمودن اسرار شخصی خود برای همه، می پردازد.

دلایل ساده لوحی :

علاوه بر عوامل تربیتی، رفتارها و ساختارهای مغز نیز می تواند در این امر نقش مهمی داشته باشد. بنابراین در جامعه ی امن و خالی از رقابت ها و شیطنتها و یا جامعه ای که بیش از حد از اعضای خود حمایت می کند، باعث تضعیف تجارب اجتماعی و شناخت افراد از شخصیت ها می شود و این حالت مولد ساده لوحی شخصیت ها در اعضای جامعه است.

چگونگی درمان فرد دارای شخصیت ساده لوح:

افزایش بینش او به اینکه ساده لوح بودن با فکر سلیم و مثبت اندیش متفاوت است و ساده لوحی قابل ستایش نیست و بینش فرد در مورد مشکلات و عوارضی که این شخصیت را تهدید می کند، می تواند در درمان این شخصیت کمک کند.

افزایش اعتماد به نفس، و مهارت های مختلف اجتماعی وی نیز موثر است و سعی کنیم فرد را با ویژگی ها و شخصیت های مردم آشنا سازیم تا بتواند بین آنها تمایز قایل شود.

زمینه های موفقیت شخصیت ساده (ساده لوح):

در موقعیت هایی که به فداکاری و همکاری اجتماعی نیاز دارد (سخاوت، وحدت، اهمیت و...) شخصیت ساده لوح می تواند در این زمینه عمل کند، زیرا این شخصیت به خدمت به اطرافیان بدون تمییز آن ها تمایل دارد.

### شخصیت بی رحمانه:

رفتار انفجاری علیه شفقت در اخلاق، اعمال و اشیاء است که باعث شدت، ظلم و ستم می شود.

آنچه در این شخصیت منظور می شود از شدت احساسات و رفتارها نشأت می گیرد که خلاف میل شفقت است.

مثال: احمد بسیاری از کاگران را از چندین کشور (بنگلادش، هند، پاکستان و...) را استخدام کرد. سپس با آنها با سوء مدیریت

معامله و بدون احترام به احساسات آن ها رفتار می کند و اگر به این اوضاع اعتراض کنند، آن ها را تهدید می کرد که انتقام خواهد گرفت. بعد از مدتی به دلیل اعتراض به نا به سامانی اوضاع کارخانه، بعضی از آن ها را به تهمت دزدی بازداشت کرد و بعضی ها را

به تهمت فرار از قرار داد، مورد آزار و اذیت قرار داد.

ویژگی های شخصیت بی رحمانه:

غلبه کردن رفتار بی رحمانه و استفاده از آن به شدت بالا در رفتار های روزانه حتی با افرادی که باید به آن ها احترام گذاشت و مورد لطف قرار داد. (والدین، همسر، فرزندان) و نداشتن احساس همدردی، دلسوزی، رحم و محبت که فرهنگ اجتماعی، این رفتار ها را قابل می داند. از رفتار ظالمانه و پریشان کننده دیگران لذت می برد، زیرا با توهین و مسخره کردن و صدمه دیدن احساسات افراد، راحت می شود.

تمایل به استفاده از تهدید، خشونت و پرخاشگری در سوء تفاهم های اجتماعی و شدت و سختگیری بیش از حد نسبت به گناه دیگران و استفاده از روش تنبیه غیر طبیعی و نشان دادن واکنش افراطی به جرم دیگران و وادار کردن دیگران برای خدمت به منافع خود و تحقیر آن ها برای تسلیم شدن به خواسته ها و عقاید خود را دوست دارد. از شدت انتقام از خود و دیگران و دروغگویی و استفاده از آن برای ترساندن دیگران از قدرت و نفوذ خود شکیبیا می شود و دوستدار خشونت، خشم و ظلم است.

چگونگی درمان رفتاری فرد دارای شخصیت بی رحمانه:

از آموزش در زمینه بحث و گفت و گو به آرامی استفاده می کنیم و به فرد دارای چنین شخصیتی بفهمانیم که تسلط بر اعصاب و بحث کردن منطقی، اصل هر رابطه ای است.

ساختن مراکز تقویت روابط اجتماعی، دادن فرصت مشارکت مردم در این نهاد ها به خصوص افراد و تلقین کارگروهی و برتری آن بر فردیت و استفاده از تفریح روانی ملایم، زیرا اگر روان خسته و ملول باشد، شخص به تمام امور منطقی نابینا می شود. پروراندن عدل و ویژگی های رفتاری آن در بین مردم، برای از بین بردن پارتی و منفعت رساندن به نزدیکان و حمایت از کسانی که حق حمایت از آن ها را نداریم و ظلم کردن به حقوق کسانی که اهل حق نیستند و نیز پروراندن شخصیت، و آشنایی سازی آن با سخن خوب و هدفدار، سخاوتمندی، تبسم و تواضع در نگاه به اطرافیان.

استفاده از الگو گیری از پیشینیان، بهترین روش برای آشنایی سازی است. افراد نمونه دارای تأثیر جدی در این زمینه هستند و می توانند به ما کمک کنند تا این شخصیت نا مطلوب را فرهنگ سازی کنیم.

گسترش فرهنگ مانند بخشش، لطف و مدارا کردن نیز تأثیر به سزایی در درمان شخصیت دارد. (ولیعفو و لیصفحوا) سوره نور آیه ۲۲.

(فاعف عنهم و اصفح ان الله يحب المحسنين) سوره مائده آیه ۱۳.

(فاصفح عنهم وقل سلام فسوف يعلمون) سوره زخرف آیه ۸۹.

این در واقع همان قدرت حقیقی و تسلط کامل بر احساسات و انفعالات افراد است.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: فرد قوی آن کسی نیست که هنگام کشتی گرفتن و زور آزمایی افراد دیگر را به زمین می زند بلکه کسی است که هنگام خشم خود را نگه می دارد. (تحفت العقول صفحه ۴۷).

مشارکت های دینی. بحث و مشارکت های دینی تأثیر مضاعفی در گسترش رحمت و مودت بین مردم دارد. (کتب دینی، مجالس مذهبی، سخنرانی ها و..)

نحوه ی برخورد با شخصیت بی رحمانه:

بر کنترل خلق و خوی خود و اعصاب و رفتار با او باید تلاش کنیم و اطمینان حاصل کنیم که کاملاً آمادگی ارتباط برقرار کردن با او را داریم و سعی نکنیم او را تحریک کنیم بلکه با بهترین شیوه با آن ها مجادله کنیم.

سعی کنیم هنگام بحث از طلاعات و ایده های او استفاده کنیم و در هنگام ارائه نظر خود محکم باشیم و به او بفهمانیم که انسان به اندازه ی احترام او به دیگران، محترم می شمارند.

آیات و احادیث مناسب را برای او تکرار کنیم و در هنگام بحث با او از سبک خاص استفاده کنیم. (بله نظر شما کاملاً درست

است..... ولی.)



**شخصیت مهربان (عطوف):**

این شخصیت میل به شفقت، مهربانی، رحم، عطف و مودت به اطرافیان دارد. مثال: سعید یک معلم است که در برقراری ارتباط با دانش آموزان خود موفق بود. اما او قادر به کنترل رفتار آنها در کلاس نیست. او به استفاده از روش ارباب و خشم برای ساکت کردن دانش آموزان، تمایل ندارد، به طوری که دانش آموزان از این فرصت سوءاستفاده می کنند و او را در کلاس مورد آزار و اذیت قرار می دهند و زمان کلاس را با امور بی اهمیت اشغال می کنند تا فرصت برای تدریس مطالب زیاد و دادن تکالیف به آن ها را پیدا نکنند.

در این موقعیت هم از مهربانی بیش از حد با آن ها استفاده می کند تا کم کم، نه فقط به خود آسیب رساند بلکه دانش آموزان خود را نیز از علم و درس به تأخیر کشاند.

ویژگی های شخصیت مهربان (عطوف):

غلبه کردن احساس رنفت و شفقت و مهر و محبت شدید به افراد شایسته و غیر شایسته این رفتار و ناتوانی در خشم، شدت و استفاده از روش های ارباب درست و نادرست دیگران. (دانش آموزان، فرزندان و...)

تمایل به استفاده از روش های جذب و مبالغه و مهربانی با دیگران حتی در موقعیت هایی که لازم است از روش ارباب و تنبیه استفاده شود و از مهربانی و خوش رویی اطرافیان و خوشحالی همیشگی آن ها لذت می برد و اگر به شدت نسبت به ارباب و بد خلقی با آن ها و خوش رویی و ملایمت و تسامح سریع با افرادی که سزاوار این رفتار نمی باشند را دارد.

همیشه از خصومت های شخصی و غیر شخصی و بحث و جدال و تنبیه، فرار است و حتی با افرادی که به او ظلم می کنند و حق او را خورده نیز با مهربانی و لطافت رفتار می کند.

حوزه های موفقیت شخصیت مهربان (عطوف):

چنین شخصیتی در موقعیت هایی که نیاز به مهربانی، مهر و محبت و شفقت به کسانی که برای کمک و یاری دست به سویشان دراز می کنند به خوبی از پس این موقعیت بر می آید. این شخصیت در تمام موقعیت هایی که خارج از خشونت و بد خلقی باشد به خوبی عمل می کند و موفق است.

**شخصیت مستسلم (خضوعی):**

نوعی شخصیت است که بیش از حد با عقاید دیگران انطباق پیدا می کند و به عقاید خود ثابت قدم نمی ماند. مثال: مهدی با مادرش قرار گذاشته بود که او را به بیمارستان ببرد چون حال او بسیار نامساعد بود. در راه بازگشت به خانه، با دوستش روبه رو شد. دوستش با او احوال پرسید و سلام و کلام کرد و وقت او را گرفت. او از این حالت خیلی ناراحت بود ولی به رو نمی آورد در حالی که دوستش خواستار ادامه ی صحبت هایش بود. مهدی دارای شخصیت مستسلم است و نمی توانست به دوستش بگوید که من قرار مهمی با مادرم دارم و فقط در حال تأیید سخنان دوستش بود و چیزی به رو نمی آورد تا اینکه با او تماس گرفتند و گفتند مادرت از حال رفت.

ویژگی های شخصیت مستسلم (خضوعی):

میل به موافقت با دیگران و قبول کردن نظرات و سلیقه های آن ها حتی اگر خلاف میل خود باشد. این شخصیت توانایی گفتن (نه، نمی خواهم و...) را ندارد و در هنگام سخن با دوستان و نزدیکان بیشتر از کلمه هایی چون (بله، درست، باشه، حتما و...) استفاده می کند و ارتباط بصری بسیار ضعیف (جلو گیری از تلاقی چشم، همیشه یا اغلب اوقات) و برقراری ارتباط با صدای بسیار ضعیف و حتی اگر حق با او باشد و دارای شهود کامل است نیز نمی تواند از خشونت استفاده کند.

علت تسلیم شدن :

بسیاری از دلایل اختلال وجود دارد و این ترکیبی از فشارهای روانی درونی است که با جو اجتماعی و گروهی مرتبط است که فرد خجول با آن مواجه می شود. (خانواده، شدت والدین به امور و انتقادات آن ها)

زمینه های موفقیت شخصیت مستسلم (خضوعی):

در هر زمینه ای که به کمک مادی و معنوی، ایثار و فداکاری برای دیگران خواه در حوزه های اجتماعی و خواه مذهبی و یا حوزه های دیگر باشد.

فرد دارای چنین شخصیتی به خوبی عمل می کند.

### شخصیت پرخاشگر:

مثال: علی یک زمین زراعی بزرگی خرید که این زمین در میان زمین های خالی دیگری که هیچ حد و مرزی با زمین او ندارند، قرار گرفته است.

او هنگام زراعت، ۵ متر از هر طرف زمین خود به بیرون آمده است. که این ۵ متر حق او نبوده و وقتی مالکان زمین های اطراف او آمده اند تا با او در مورد این موضوع صحبت کنند، با آن ها دعوا کرد و مورد ضرب و شتم قرار داد و نزدیک بود، حتی از اسلحه استفاده کند.

ویژگی های شخصیت پرخاشگر:

قدری و تسلط بر دیگران و عدم رعایت حقوق آن ها و تحریک احساسات آن ها و جسارت بیش از حد او در بیان عقاید و دیدگاه های خود برای دیگران در بعضی مواقع غیر ضروری و حتی در نشان دادن احساس ناراضی، عصبانیت، نفرت و بی توجهی به احساسات دیگران، اغراق می ورزد تا همه به او گوش فرا دهند. همیشه از اعتماد به نفس بیش از حد به نظر توانایی های خود و به چالش او با دیگران و لجابت، اهمیت می دهد و به اطرافیان با غضب و عدم احترام نگاه می کند که طرف مقابلش حس می کند که انگار در مقابل دشمن ایستاده است.

نحوه ی برخورد با شخصیت پرخاشگر:

به خوبی به او توجه کنیم تا خشم خود را فروکش کند و همیشه در مقابل او آرامش خود را حفظ کنیم و در بحث با او به این فکر نکنیم که با سخنانش به ما احترام نمی گذارد. و همیشه در مقابل او با استدلال و منطق صحبت کنیم.

زمینه های موفقیت شخصیت پرخاشگر:

در موقعیت هایی که به جرأت، جسارت، و قدرت برای مصلحت شخصی و اجتماعی خود (مانند: کارهای اداری، معاملات تجاری، موقعیت های نظامی و...) به خوبی عمل می کند.

### شخصیت درونگرا:

شخصیتی است که همیشه جدا طلب است و به فکر روابط اجتماعی نیست.

مثال: یک دانشجوی دانشگاهی که در تحصیلات خود بسیار موفق و برتر از دانشجویان بود، روابط اجتماعی خوبی نداشت و به تنهایی بسنده می کرد حتی در روزهای تعطیل. با خانواده خود ارتباط نزدیکی نداشت و معاشرت نمی کرد و بیشتر اوقات خود را با درس ها یا اینترنت و موبایل سپری می کرد.

ویژگی های شخصیت درونگرا:

برتری شمردن تنهایی و گوشه گیری بر روابط اجتماعی و معاشرت با دیگران حتی در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات میانسال. خوشگذرانی فردی را بر اجتماعی برتری می دهد. (مسافرت، جلسات و...).

سردی احساسات و عاطفه (محبت، شفقت و...) حتی با همسر و فرزندان و سردی در تحریکات روانی (خوشحالی، شادی، غم، خشم، دشمنی و...) و اولویت دادن به موقعیت هایی که افراد را بر اجتماع در درس و کار دارند. و دارای ضعف در ارتباط کلامی و غیر کلامی با افراد جامعه است.

چگونگی برخورد با شخصیت درونگرا:

تلاش برای از بین بردن و کم رنگ شدن آن در مجالس و روابط اجتماعی.

عدم اصرار و پافشاری برای کنار گذاشتن این شخصیت، زیرا اصرار و پافشاری باعث می شود فرد از نظر روانی عقده ای شود.

کمک به آن برای خارج شدن از موقعیت فعلی و جهان بینی آن. روشن ساختن مسائل موجود در این شخصیت و تأثیرات منفی آن بر خود. استفاده از ابزار مناسب و اعمال و رفتارها که به تلاش فرد برای رهایی از سلبیات، کمک می کند. تلاش برای ترغیب شخصی به روابط اجتماعی و انعطاف پذیری آن از طریق دعوت به کمک دوستان و ارتباط برقرار کردن با او.

زمینه های موفقیت شخصیت درونگرا:

افراد دارای چنین شخصیتی، به قدرت تمام از مغز و توان خود استفاده می کنند و بسیار زرنگ و باهوش هستند به خصوص در موقعیت هایی که نیاز به تفکر عمیق دارند. (ابداع در علوم رایانه ای، مهندسی ها ی الکترونیکی و...)

### شخصیت تجنبی :

فرد ایده آل از نظر شخصیت، دارای قابلیت های ارتباط با دیگران و رد و بدل نظر بین آن ها است و هم خود در موقعیت مناسب از دیگران انتقاد می کند وهم دیگران از او انتقاد می کنند ولی به سرعت به تفاهم متقابل می رسند. اما شخصیت تجنبی، فرد بیشتر میل به اجتناب از دیگران دارد و علت آن اختلال در شخصیت فرد است.

مثال: ابراهیم مجموعه ای از دوستان دارد که در تعطیلات آخر هفته دور هم جمع می شوند و با هم بحث و تبادل نظر و شوخی های متفاوتی می کنند. همیشه به او اصرار می کنند که با آن ها بیاید، اما او با آن ها نمی رود و اگر کنار آن ها رفت، همیشه سکوت اختیار می کند و هیچ نظری اظهار نمی کند و اگر با او کمی شوخی تندی می کنند، برای مدت زیادی آن ها را ترک و از آن ها دور می ماند.

و بیشتر اوقات در برابر مسائل خود را کوچک می شمارد و حتی اگر در مورد موضوعی معلوماتی دارد، نیز اظهار نظر نمی کند. ویژگی های شخصیت تجنبی :

ناراحتی و حساسیت شدید به انتقاد مردم و ارائه ی نظر آن ها و افراطی گری در استقبال و تفسیر نظرات و انتقادات آن ها و انجام وظایف و فعالیتهای اجتماعی که نیاز به تعامل با دیگران دارد، خودداری می کند.

از ارتباط اجتماعی و هم رفتی با مردم، به دلیل ترس از انتقادات و دوری جستن از سختی های دیگر (خجالت کشیدن، سردرگمی و...) اجتناب می کند و دارای اغراق و افراط در ذات و وجود خود و کوچک شمردن قدرت و کاهش جاه طلبی خود می باشد و بدلیل تحقیر ذات خود، از ابتکار عمل و توانایی ها خودداری می کند.

چگونگی درمان شخصیت تجنبی :

درمان روانشناختی پایدار روشنفکری برای کاهش ترس های ناشی از درگیری های نا خود آگاه.

آموزش بیان و مهارت های اجتماعی برای افزایش اعتماد به نفس وی، و این همان چیزی است که روش کم کردن حساسیت ها، دنبال آن است و استفاده از روش های درمان شناختی ممکن است در کاهش و حذف انتقادات بی جای شخص از خود کمک کند.

### شخصیت هیستری :

می توان گفت که شخصیت هیستری جاذب نظرها به سمت خود است. بعضی از مردم دارای چنین شخصیتی هستند که به جذب نظر دیگران به سمت خود اشتیاق زیادی دارند و آن را به عنوان غایت کبری می پذیرند و برای رسیدن به غایت خود سعی و تلاش افراطی دارند.

مثال : اشکان جوانی ناز و درخشان در ظاهر و رفتار است و موی سرش از نظر بلندی، تفاوتی با موی خواهرش ندارد و همیشه برای جذب نظر دیگران عطر زنانه همراه خود دارد که از آن استفاده می کند و در بازار از میان مردم رد می شود با اینکه او مرد است ولی شخصیتی دارد که برای جذب مردم به سمت خود حاضر است عطر زنانه و ظاهری به دور از شأن مردانگی داشته باشد. وقتی با تلفن صحبت می کند، دوست دارد که با صدای بلند صحبت کند تا همه ی اطرافیان را به خود جلب کند.

ویژگی های شخصیت هیستری :

به جلب توجه دیگران به خود، به شکل مداوم و همیشگی، اهمیت می دهد. یعنی دوست دارد همیشه نظر مردم را به خود جلب کند و اگر مردم به او توجه ویژه ای نداشته باشند ناراحت می شود. چنین شخصیتی در بیان احساسات و انفعالات و عباراتی که ممکن است متناسب با موفقیت فعلی نباشد، اغراق می کند.

در فعالیت های نمایشی و نشاطی مبالغه می کند و همیشه برای ارتباط برقرار کردن با افراد مشهور و معروف در ادارات و وزارت ها سعی می کند، تا با برقرار کردن این ارتباط، به جایگاه بالایی برسد و مورد جلب توجه دیگران شود.

سعی می کند احساسات و علاقه ی دیگران را بداند تا بتواند همانند شخصیت های آنان باشد و آن ها را به سوی خود جذب کند.

زمینه های موفقیت شخصیت هیستری :

کسانی که چنین شخصیت هایی دارند، همانند یک نوع بازیگر هستند که برای جلب توجه بیننده مجبور می شود که در شخصیتی دیگر، خود را نشان دهد که مطابق با خواسته ی اطرافیان است.

شخصیت هیستری در موقعیت هایی که لازم است ارتباط اجتماعی برقرار شود، به خوبی فعلا می شود. یعنی شخصیت هیستری به سرعت به هر شخصیتی دیگر می تواند ارتباط برقرار کند و خود را همانند شخصیت مقابل جلوه می دهد.

شخصیت خود شیفته:

هر کدام از ما توانایی ها و ظرفیت هایی داریم که ما را با دیگران متفاوت ساخته است و در آن ها عیب و نقص هایی وجود دارد که این نقص ها ما را با دیگران متمایز می کند.

مردم تصورات، افکار و اندیشه های ذاتی، قدرتهای استعدادی و امکانات متمایز از هم دارند.

فرد دارای شخصیت ایده آل از این امکانات و استعداد هایی که دارد به صورت متعادل از آن ها استفاده می کند و سعی می کند تا به ثمره ی اصلی زندگی خود با استفاده از امکانات به دست آمده، برسد. شخص ایده آل از هر فرصت و امکاناتی که دارد برای شناخت نفس درونی خود استفاده می کند تا همیشه تعادل کامل بین مادیات و معنویات خود و ظاهر و باطن را رعایت کند. اما شخصیت خود شیفته همیشه خود و ذات خود را به بهترین حالت می بیند و خود را با عدسی های خود بزرگبینی می بیند که فکر می کند همیشه ذات او به بهترین حالت ممکن است اما دیگران اطرافیان را به عدسی های کوچک بینی می بیند و با احساس تحقیر با آن ها رفتار می کند. وبه (تکبر، خود بینی، دروغ، ریا) پایبند است.

در قدیم فرعون گفت: (أنا ربکم الأعلى) و قبل از آن ابلیس گفت: (أنا خیر منه) و غیر از آن ها، متکبران و خود بزرگبینان زیادی هستند که به ذات خود معجب بودند و دوستدار حکومت خود هستند، همانند قارون و بعضی از کفار قریش که عجب و تکبر بر شخصیت آن ها غالب شد.

در اغلب مواقع شخصیت خود شیفته به علت ها و نواقص خود آگاهی ندارند و نمی توانند به نقطه ضعف و اشتباهات خود آگاهی نمایند.

ویژگی های شخصیت هیستری :

ویژگی های شخصیت هیستری متعدد هستند و نمی توان همه ی آن ها را در یک فرد نام برد و بیشتر افرادی که دارای شخصیت هیستری هستند جوانان در سن بلوغ می باشند. زیرا در سن بلوغ جوانی و نوجوانی شخصیت فرد در حال تکامل می باشد و احساس خود بینی در فرد متبلور می شود.

از جمله ویژگی های این شخصیت، تحسین بیش از حد رفتار های خود و احساس خود بزرگبینی نسبت به دیگران در افراد ظهور می کند و فکر می کند که رفتار و اعمال او خیلی مهم است.

اغراق در ظاهر خود و پوشیدن بهترین لباس ها، زیرا احساس فرد بر آن است که به دلیل بهترین بودن خود باید همیشه به ظاهری بالاتر و بهتر از همه داشته باشد. و تصور می کند که از هر چیزی که در اطراف او رخ دهد از آن آگاهی کاملی دارد و نمی توان بر او پوشیده شود و به هر اشتباهی که از او رخ دهد و مورد رنجاندن اطرافیان باشد، مقاومت می کند و به اشتباه خود واقف است.

## نتیجه گیری

عدم توجه به ویژگی‌های رفتاری هر شخصیت، می‌تواند نتایج نامطلوبی برای ما داشته باشد که از جمله‌ی این نتایج نامطلوب، عدم توانایی ارتباط برقرار کردن با شخصیت مقابل است که ممکن است با شخصیت ما کاملاً متفاوت باشد و از توانایی کنترل آن با روش معقول و درست برخوردار نباشیم.

تنها واژه‌ی موجود و مدرن برای شناخت شخصیت‌های متفاوت که در بحث تحقیق بالا از آن ذکر به جا آورده شده است، << شخصیت‌شناسی >> است. این دانش به بررسی موضوعات گوناگونی می‌پردازد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مباحثی همچون، تنوع شخصیت‌ها، رفتارشناسی، سطح توسعه شخصیت فردی، بررسی دوگانگی‌های شخصیتی، سطح و توانایی توسعه شخصیت فردی و خودشناسی و مطالعه‌ی مقایسه‌ای میان شخصیت‌ها می‌پردازد.

از آنجا که شخصیت‌شناسی به عنوان ابزاری برای شناخت افراد و رفتار اطرافیان و همچنین لازمه‌ای برای برقراری ارتباط اجتماعی است، دانش آموختگان شخصیت باید با تمام شخصیت‌های موجود که در اجتماع تأثیر به‌سزایی در برقراری ارتباط دارد، آشنایی کاملی داشته باشند. تا بتوانند هم در درمان شخصیت‌های آسیب‌دیده و هم شناخت ویژگی‌های آنها سهیم باشند. دراصل برای ارتباط برقرار کردن با افراد دیگر شرایط خاص وجود دارد که از جمله‌ی این شرایط، شناخت کامل از ویژگی‌های شخصیت مقابل است و خود را نیز باید به حدی از شخصیت برسانیم که نزدیک به شخصیت متعادل که همان شخصیت ایده‌آل باشیم. برای توسعه و رشد فرهنگی یک جامعه، شناخت شخصیت‌های موجود در جامعه موثر است و باید در چنین حوزه‌هایی از علم شخصیت‌شناسی فعالیت داشته باشیم تا بتوانیم به جایگاهی از شخصیت‌های متعادل خود و اطرافیان را برسانیم.

### منابع و مراجع

- [۱] دکتر محمد بن عبد الله الصغیر. کتاب ماتحت الأفعه.
- [۲] شیخ سلمان العوده(۱۴۲۷ه). تحلیل الشخصیات.
- [۳] تحف العقول. ابن شعبه حرانی.
- [۴] ۴المتنبی . از شاعران فرهیخته عراق.
- [۵] ۵تطبیق آیات قرآن و تفاسیر معتبر .
- [۶] سعید ریاحی،اخلاقی،مرضیه احمدی، علی اصغری، مهین رضایی.مجله نگرش های نو در جغرافیای انسانی (۱۳۹۸) تحلیل ویژگی های محیطی بر تنوع شخصیت انسان.
- [۷] گلنار مظاهری نژاد فرد،الناز ملحی. مجله رویش روان شناسی (۱۳۹۸) رویکرد صفات در تحول شخصیت .